

تلویزیون و بازآفرینی لهجه‌ها در گفت‌وگو با دکتر ناصر تکمیل‌همایون

یکسانی ناگزیر لهجه‌ها

کارگردانانی مثل مرحوم حاتمی مطالعات تاریخی و فرهنگی دقیق می‌کردند و کارهایشان متعلق

به همه ایرانیان بود. ولی مثلاً سریال ابن‌سینا درست می‌کنند و ابن‌سینا وسط درس دادن می‌گویند:

«اینک کلاس ما تمام شد!» معلوم است که ناگهان حال آدم بد می‌شود. زمان ابن‌سینا که کلمه

«کلاس» را به کار نمی‌بردند.

◀ مهرداد فارسی

– معمولاً این‌ گرایش غالب در تلویزیون وجود دارد که همه پدیده‌ها را یکسان‌سازی کند، حتی در مقوله فرهنگ. از طرف دیگر بحث پاسداشت فرهنگ عمومی جامعه و پاره‌فرهنگ‌ها را داریم. در اینجااست که مثلاً در مقابل سریال «در مسیر زاینده‌رود» این جبهه‌گیری شکل می‌گیرد که در نمایش لهجه اصفهانی موفق نبوده است. به نظر شما در برابر این دوگانگی چه باید کرد؟

بحث لهجه‌ها بحثی است که در تمام دنیا وجود دارد. به عنوان مثال اگر شما به فرانسه هم بروید، لهجه پارسی‌ای که در نمایشنامه‌ها و سریال‌های تلویزیونی به کار می‌برند، وقتی یکی از شخصیت‌ها متعلق به شهر مarse باشد، تبدیل به یک لهجه دیگر می‌شود که با لهجه پارسی فرق دارد. مثلاً اگر بخواهند آدم مرغوری را در تلویزیون نشان بدهند، او را بر آن می‌دارند که به لهجه پروتونی صحبت کند. ممکن است در آنجا هم گلیاه‌ها و ناراحتی‌هایی به وجود بیاید ولی این یک مساله طبیعی است، با این تفاوت که در پاریس لهجه پارسی وجود داشته و حفظ شده است اما تهران که این کار را می‌کند، لهجه ویژه امروزی را نداشته است. یعنی اگر در مورد لهجه تهران تحقیق کنید، می‌بینید لهجه‌ای بی‌ری و مازندران بوده است؛ یعنی یک لهجه دهاتی که شاید از نظر ما کمی هم زشت باشد. اگر شما به بعضی روستاهای دور و بر تهران مثل داراباد و لواسانات بروید و از پیرمردها و پیرزن‌های آنجا بخواهید که به لهجه خودشان صحبت کنند، می‌بینید که چه لهجه عجیب و غریبی است، البتّه

با لهجه تهران امروز فرق دارد. لهجه تهران به حدّاکثر ۲۰ هزار نفر در دوره اول قاجاریه متعلق بوده است. بعداً از جاهای مختلف به تهران آمده‌اند و لهجه‌ای که در تهران درست شده، محصول ۱۵۰ سال اخیر است که البته به آن لهجه تهرانی هم می‌بینید که چه لهجه عجیب و غریبی است، البتّه

– شما گفتید در سریال‌های تلویزیونی فرانسه هم لهجه‌های مختلف وجود دارد، این اتفاق برای حفظ و پاسداشت لهجه‌های فرانسوی است یا بیشتر جنبه زیبایی‌شناختی دارد و کارگردان برای تقویت و جذابیت‌کاش از این رویکرد استفاده کرده است؟

این اتفاق به طور طبیعی روی می‌دهد یعنی همان طور که انسان حیات دارد زبان هم حیات دارد. شما می‌بینید که لهجه‌ها وجود دارد و حالا کارگردان مجبور می‌شود لهجه‌ای که امروز در تهران هست به کار ببرد. اما اشتکال کار در اینجااست که کارگردان‌ها وقتی می‌خواهند نقشی را در حد پایینی نشان بدهند برایش لهجه ترکی یا لری می‌گذارند، در حالی که وظیفه تلویزیون آشنا کردن مخاطب با لهجه‌هاست. تا ۳۰۰–۲۰۰ سال پیش ایرانی‌ها از لهجه‌های خودشان چیزی نمی‌دانستند. کدام ایرانی بوده که بداند قزوینی‌ها یا مثلاً ملایری‌ها چگونه حرف می‌زده‌اند؟ ولی وقتی از شهرهای مختلف به تهران آمدند و تهران تبدیل به مجموعه‌ای از مردمی با لهجه‌های مختلف شد تازه آن وقت بود که فیمیند اصفهانی‌ها و شیرازی‌ها و مشهدی‌ها و … به لهجه‌ای دارند. آن وقت همین لهجه‌ها را کارگردان‌های تلویزیون هم نباید از دید تحقیر به لهجه‌های دیگر نگاه کنند. قهرمانان باشند سریال‌ها هم می‌توانند ترک یا لر یا کرد باشند. دلیلی ندارد که یک آدم تحصیلکرده و متخصص در تلویزیون به لهجه تهرانی صحبت کند و یک آدم درجه دو و سه به لهجه‌های دیگر حرف بزند. البته خود شهرستانی‌ها هم نباید لهجه‌شان را حقیقتاًنزدند

– چون اساساً بسیاری از این لهجه‌ها دارای ریشه‌های مشترک هستند و به همدیگر برمی‌گردند.

بله، چون همه این لهجه‌ها متعلق به ایران است و نباید فرق بین آنها بگذاریم. چه‌بسا اگر امروز زبان فارسی تبدیل به زبان رسمی مردم شده به دلیل پتانسیل خود این زبان بوده قدرت حکومتی یا اقتصادی. این زبان خودش دارای کارکردی بوده که پیشرفت کرده و به اینجا رسیده است و چه‌بسا همین زبان از زبان‌های دیگر ایرانی هم برخوردار باشد. ما الان واژه‌هایی بسیار عالی در زبان کردی داریم که می‌تواند در فارسی به کار برود یا واژه‌هایی در لری داریم که اصل هستند. این است که باید این تمسخرها و

شده‌اند. مثلاً ما در پژوهشگاه علوم انسانی،

دپارتمان گویش‌شناسی و لهجه‌شناسی داریم که این گویش‌ها و لهجه‌ها را حفظ می‌کنند.

– یعنی در نهایت لهجه‌ها و گویش‌های ما تبدیل به متونی آرشییوی می‌شوند و کارگردشان را از دست می‌دهند؟

بله، آرشییوی می‌شوند. اصلاً به مرور هم عوض می‌شوند که طبیعی است و اشکالی هم ندارد.

– به نظر شما تلویزیون این رسالت را ندارد

که برای حفظ و نگهداری این لهجه‌ها و پاره‌فرهنگ‌ها بکوشد یا بیشتر باید بر همان بحث سرگرمی مخاطب عام متمرکز شود؟

من فکر می‌کنم باید اصالت قومی در برنامه‌های تلویزیونی حفظ شود. مثلاً اگر قرار بود در سریال «دلبران تنگستان» رئیسعلی دلواری بیاید و به لهجه جوانان خیابان جردن صحبت کند، آن سریال دیگر سریال نبود. حالا اگر او به سبک دلواری صحبت می‌کند، باید حتماً همراه با کارگردان یک گویش‌شناس، با شناخت لهجه‌های بوشهر و آن مناطق، در بازگویی دیالوگ‌ها دقیق عمل کند. ما در همین دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۲۰ سال پیش دفتر مطالعات سینمایی هم داشتیم. معتقد بودیم در فیلم‌ها و سریال‌ها باید چهار رکن رعایت شود؛ اولین رکن، ساختمان و معماری است. یعنی

شما فرضاً برای نمایش دوران لطفعلی‌خان زند نمی‌توانید در مسجد خیابان میرداماد فیلمبرداری کنید. باید دقیقاً ببینید که در شیراز دوران زندیه چه نوع مسجدهایی داشته‌ایم، رکن دوم، لباس‌هاست. یعنی توان یا یک قیای بلند، سر و ته قضیه را باید آورد. باید دید در دوران زندیه چه لباس‌هایی می‌پوشیده‌اند. رکن سوم، صحبت کردن است. آخرین رکن هم این است که قصه تاریخی با واقعیت جور دربیایند. حالا در مورد اقوام و گویش‌هایشان هم باید مطالعات دقیق مردم‌شناسی صورت بگیرد.

– آیا این یون در تعامل بین فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان تلویزیون با پژوهشگران و مردم‌شناسان وجود دارد؟

اگر در تلویزیون بخشی برای همین موضوعات درست شود و هر نوع تولیدی، چه سریال، چه فیلمانه و چه برنامه‌های سیاسی مورد مطالعه قرار بگیرد، این پیوند و تعامل هم وجود می‌آید. – با این حال پرداختن به قومیت‌ها و پاره‌فرهنگ‌ها ممکن است این خطر را هم به همراه داشته باشد که باقی مخاطبان ناآشنا با آن قوم و فرهنگ، جذب آن سریال یا برنامه نشوند.

نه. برای اینکه خوشبختانه مخاطبان ایرانی لهجه‌ها و گویش‌های دیگر را متوجه می‌شوند. البته اگر فیلمی راجع به سترخان درست شود و کاملاً کلام ترکی داشته باشد، مخاطب متوجه نمی‌شود چون ترکی لهجه نیست، زبان است. اما همه مخاطبان می‌توانند مثلاً لهجه خراسانی را بفهمند.

– جدای از بحث لهجه‌ها و گویش‌ها موضوع آداب و رسوم هم هست که ممکن است برای سایر مخاطبانی که متعلق به آن پاره‌فرهنگ نیستند، جذاب نباشد.

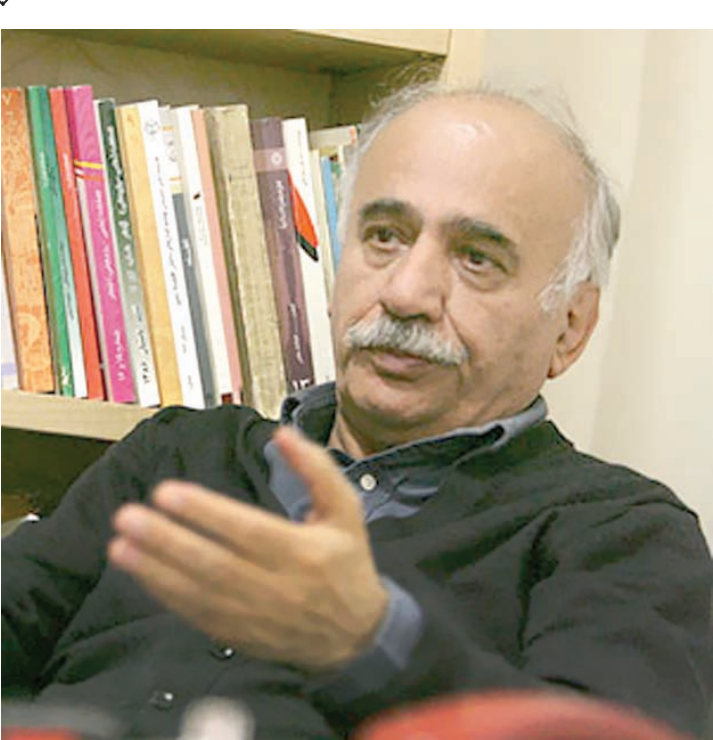
بسیار خوب، مخاطب به این مقولات را یاد می‌گیرد و می‌فهمد. یعنی متوجه می‌شود که هومطن خودش مثلاً در بندرعباس چگونه غذا می‌خورد، زینت‌آلات هاناش چگونه است و چه آداب و رسومی دارد. اصلاً یکی از رسالت‌های رسانه‌ای مثل تلویزیون این است که قومیت‌های مختلف ایران را به هم نشان بدهد و جوهره وحدت ملی را به نمایش بگذارد. برای اینکه فرهنگ ایران یک فرهنگ واحد یگانه، اما متنوع است. به قول مرحوم مهندس بازرگان، یعنی مثل یک قالیچه است. یک قالیچه رنگ‌های سیاه و سرخ و آبی و سفید دارد، خط راست و کج دارد، ولی در جمع نمایانگر یک وحدت است. ایران‌ها همین طور است. ایران پاره‌فرهنگ‌های متعدد دارد که ریشه در تاریخ ایران دارد و گسست‌ناپذیر است.

– به نظر شما سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی در مجموع بیانگر این وحدت کلی در فرهنگ ایران هستند؟

کارگردانانی مثل مرحوم حاتمی مطالعات تاریخی و فرهنگی دقیق می‌کردند و کارهایشان متعلق به همه ایرانیان بود. ولی مثلاً سریال ابن‌سینا درست می‌کنند و ابن‌سینا وسط درس دادن می‌گویند: «اینک کلاس ما تمام شد!» معلوم است که ناگهان حال آدم بد می‌شود. زمان ابن‌سینا که کلمه «کلاس» را به کار نمی‌بردند. یا مثلاً در سریالی که مربوط به زمان صفویه است، می‌بینیم بازیگر دستش ساعت است! اینجا

سال پنجم – شماره ۱۰۷۳ – سه‌شنبه ۶ مهر ۱۳۸۹ – تلویزیون ۱۱

• خاکی که آدمیزاد از آن می‌روید، دامنگیر است؛ این است که هر کجای دنیا باشی، وقتی نمایی، عطری، چیزی شبیه به خاطره یا حتی شیوه تکلم مردمان سرزمینت را می‌شنوی، شاید نمی‌ا اشک یا دست‌کم غروری گرم بر دلت بنشیند. اما اینجا یک سوی این ماجراست و اگر همین تصویر و خاطره که آدمیزاد از دیار خود دارد، به گماتش بازگونه یا ناراست بیاید، نمی‌تواند اندوهش را پنهان کند. به همین خاطر است که وقتی قاب تلویزیون، لهجه یا گویش داری را نشانه می‌گیرد، کافی است این نشانه‌گیری اندکی نادقیق باشد تا گلیاه‌ها و شکوها آغاز شود؛ همان اتفاقی که برای سریال «در مسیر زاینده‌رود» رقم خورد و واکنش هم‌میهنان اصفهانی ما را برانگیخت. با این همه دکتر ناصر تکمیل‌هایون بر این اعتقاد است که نباید چندان سخت و صلبی با این فضا یا مواجه شد و چنین اتفاقاتی در رسانه‌های همه دنیا روی می‌دهد. اگرچه این استاد جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی هم معتقد است تلویزیون به هیچ روی نباید لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی را به تمسخر بگیرد و باید نهایت تلاشش را برای رسیدن به وحدت ملی به کار ببندد. او همچنین بر این نکته پای می‌نشارد که گردهم آمدن جمعی از ریش‌سفیدان عرصه‌هایی چون مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی و تاریخ در تلویزیون، راه را بر بسیاری از اشتباهات و اتفاقات ناصواب می‌بندد و تصویری دقیق‌تر از فرهنگ و زیست و تاریخ ایرانیان در رسانه ملی به نمایش می‌گذارد. این پژوهشگر ۴۴ساله در دو رشته تاریخ و جامعه‌شناسی از دانشگاه سوربن دکتر گرفته است. او حالا استاد و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. علاوه بر آن، سرپرستی بخش «فرهنگ و تاریخ» را در موسسه تحقیقی – انتشاراتی دفتر پژوهش‌های فرهنگی بر عهده دارد. در کارنامه دکتر تکمیل‌هایون تالیف بیش از ۱۸ عنوان کتاب هم به چشم می‌خورد که از جمله آنها می‌توان به «تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران» و «گستره فرهنگی و مرزهای تاریخی ایران‌زمین» اشاره کرد.



ناشی‌گری‌هایی است که اثر منفی دارد. ولی آنها که به واقعیت می‌پردازند، این وحدت را به نمایش می‌گذارند. باید تاریخ و فرهنگ هر دوره‌ای را شناخت و بعد اقدام به ساخت فیلم و سریال در این زمینه کرد.

– علاوه بر گویش‌ها و لهجه‌ها به عنوان نمودی از پاره‌فرهنگ‌های ایرانی، قصه‌های عامیانه این سرزمین هم هستند که قابلیت تبدیل شدن به سریال و فیلم تلویزیونی را دارند. شما هم معتقدید که می‌توان از این عرصه بهره بیشتری برد؟

ما صحرا داریم، کویر داریم، کوه و دریاچه و دریا داریم. این اوضاع جغرافیایی ایران قصه‌های خودش را دارد. مثلاً قصه‌ای که یک بندر لنگه‌ای دارد، در آن می‌گوید من به دریا رفتم و دختر دریا را دیدم. یعنی قصه‌هایش با دریا رابطه دارد چون زندگی‌اش در کنار آن بوده است. قصه او به کسی که در باقی زندگی می‌کند و در عمرش رودخانه هم ندیده است، فرق می‌کند. اما حسن تلویزیون این است که می‌تواند این قومیت‌ها و مناطق را از لحاظ فرهنگی به هم معرفی کند. بهترین وضعیت این است که تلویزیون بتواند این تنوعات را نشان دهد و با زیرکی و هوشیاری و فهم جامعه‌شناختی بگوید با همه این تنوعات، وحدت ملی وجود دارد.

– اما با تمام این جذابیت‌ها و رنگارنگی قصه‌های عامیانه و افسانه‌های فولکلور، می‌بینیم علائق و سلاطین کودکان این نسل را قهرمانان و شخصیت‌های غربی شکل می‌دهد.

این تقصیر رادیو و تلویزیون است که برنامه‌هایش فاقد جذابیت برای بچه‌ها و بزرگسالان است. اما سازندگان برنامه‌های خارجی چنان فیلم‌ها و سریال‌هایشان را زیبا و خردمندانه تهیه می‌کنند که کودک علاقه‌مند به دیدن آنها می‌شود. وقتی هم که می‌بیند، به مرور ایده‌آل و ایدئولوژی‌اش هم همان می‌شود و از فرهنگ ملی و قومی خودش دور می‌افتد. این به دلیل ضعف تلویزیون ماست. نه در دوره گذشته و نه در زمان حال. امکان استفاده از پتانسیل قصه‌های عامیانه در تلویزیون ما فراهم نبوده است.

– فکر می‌کنید این قصه‌ها می‌تواند برای نسل امروز که به اینترنت و ماهواره هم دسترسی دارد، جذاب باشد؟

بله، می‌تواند جذاب باشد. اما برای تبدیل این قصه‌ها به فیلم و سریال تلویزیونی نباید چیزی یا بار معنایی اضاف‌ای به آنها افزوده شود. یعنی باید خود قصه و داستان را بی‌کم و کاست و خوب توصیف کرد. الان در همه جای دنیا اینترنت و انواع رسانه‌ها موجود است، ولی تلویزیون هم مخاطب دارد. شما تصور نکنید که می‌شود ببینند را به زنجیری مادی یا معنوی کشید و گفت حتماً باید این تلویزیون را ببینی. تنها راهش این است که این رسانه با تقویت خودش، مخاطب بیافریند. تازه اگر هم مخاطب بیافریند، تصور نکنید که همه مخاطبان را بتواند جذب کند.

– شاید اگر ضمن توجه به فرهنگ عامه نیم‌نگاهی هم به فرهنگ‌های سایر ملل داشته باشیم، بتوانیم مخاطب بیشتری را

◀ کشاکش‌ها

◀ **قویدل به جای برزیده زندگی عزت‌شاهی را می‌سازد**
فارس: پس از کناره‌گیری حسن برزیده از کارگردانی مجموعه تلویزیونی زندگی عزت‌شاهی با نام «روشنایی شب»، راما قویدل کارگردانی این مجموعه را به تهیه‌کنندگی سعید سعدی پذیرفت. سعید سعدی تهیه‌کننده این مجموعه تاریخی گفت: «فیلمنامه این سریال براساس کتاب خاطرات عزت‌شاهی توسط مهدی سجاده‌چی نوشته شد که متأسفانه کامل نشد و به دلیل ضیق وقت با هماهنگی شبکه تهران گروهی نویسنده به سرپرستی محمود اربابی در حال نگارش فیلمنامه هستند که تقریباً کار نگارش آن رو به اتمام است.» وی ادامه داد: «در فاز اول پیش‌تولید، از فروردین تا پایان تیرماه کار طراحی و ساخت دکور زندان قصر با اشل واقعی آن در شهرک دفاع مقدس به طول انجامید و در حال حاضر آماده بهره‌برداری است. این دکور با احداث زندان، هواخوری و سان ملاقات کاملاً با اشل واقعی زندان مهندسی و طراحی شده و آماده بهره‌برداری است که حدود ۲۰ تا ۳۵ درصد این مجموعه در این دکور خواهد بود.» سعدی در ادامه افزود: «تولید مجموعه در سه فاز پیش‌بینی شده است. دوران کودکی عزت‌شاهی که در خوانسار تصویربرداری خواهد شد، دوران جوانی و نوجوانی در اصفهان و بقیه صحنه‌ها که حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد سریال خواهد بود در تهران و شهرک دفاع مقدس تصویربرداری خواهد شد. امیدواریم اول آبان‌ماه مجموعه را در خوانسار و با ضبط صحنه‌های کودکی عزت‌شاهی جلوی دوربین ببریم.»

این سریال در ۲۲ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای بر اساس زندگی واقعی عزت‌الله مطهری معروف به عزت‌شاهی نگارش شده است و دوران خفقان رژیم ستم‌شاهی را از سال‌های ۳۷ تا ۵۷ به تصویر می‌کشد. تاکنون حضور راما قویدل (کارگردان)، سعید سعدی (تهیه‌کننده)، فرهاد مافی (مدیرتصویربرداری)، داوود معدنی (مدیر تولید)، پیام فروتن (طراح صحنه و لباس)، مهسا کرامتی (انتخاب بازیگران) و کامران حجازی (مدیر تدارکات) قطعی شده است. مجموعه ۲۲ قسمتی «روشنایی شب» به سفارش شبکه تهران برای پخش در دهه فجر تهیه و تولید می‌شود.

◀ **ساختمان ۸۵**
فخیم‌زاده به پخش رسید

پخش مجموعه تلویزیونی «ساختمان ۸۵» با نام‌های قبلی «باز پرس» و «قتل در ساختمان ۸۵» از این هفته آغاز شد و قرار است روزهای یکشنبه ساعت ۲۱/۳۰ روی آنتن برود که تکرار آن روز بعد ساعت ۱۳/۳۰ خواهد بود. تصویربرداری مجموعه تلویزیونی «قتل در ساختمان ۸۵» اواخر خردادماه به پایان رسید و تدوین سریال نیز هم‌زمان با تصویربرداری توسط یاسر انصاریان انجام می‌شود تا سریال در شب‌های پاییز به روی آنتن برود. این سریال در ۲۶ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای به تهیه‌کنندگی رضا انصاریان برای گروه فیلم و سریال شبکه دو تولید می‌شود و قصه آن درباره قتلی است که در یک مجتمع مسکونی روی می‌دهد و همه ساکنان آن را درگیر خود می‌کند. بازیگران سریال به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: محسن افشانی، بهرام ابراهیمی، لیلار بخورداری، محمود پاک‌نیت، صابر تاتاری، اردشیر نفتی، عمل نفتی، کیوان تقی‌زاده، روح‌الحقو، زندیش حمیدی، امیرضا دلوری، سامره رضایی، سروین رفیعیان، نفیسه روشن، علی زرینی، انوشیروان فاطمی، فرهاد شریفی، لیدا عباسی، منوچهر قدیری، حمیدرضا قلی‌خانی، رانا قیصرزاد، آشا محرابی، مهدی میامی، رویا نونهالی و ساعد هدایتی.

◀ **«دو قدم مانده به صبح» نام خود را تغییر داد**

سری جدید برنامه شبانگاهی «دو قدم مانده به صبح» کاری از گروه فیلم و نمایش شبکه چهار سیما که چند سالی است به صورت زنده از این شبکه پخش می‌شود از ۱۷ مهرماه با عنوان تازه «یک واژه مانده به صبح» پخش خود را آغاز خواهد کرد. این برنامه از ۸ مرداد سال ۱۳۸۶ روی آنتن شبکه چهار سیما رفت و با استقبال خوب از سوی اهالی فرهنگ و هنر مواجه شد و جزء یکی از برنامه‌های پر مخاطب تلویزیون محسوب می‌شد. سازندگان این برنامه زنده در طول چهار دوره حدود ۷۰۰ قسمت ۹۵ دقیقه‌ای برنامه اجرا کردند و میزبان ۱۵۰۰ مهمان از چهره‌های برجسته رشته‌های مختلف بودند. اجرای شاخص و متفاوت «محمد صالح‌اعلا» در کنار حضور کارشناسان صاحب‌نامی چون دکتر علی‌اکبر ولایتی، فریدون جیرانی، محمد رحملیان … از نکات مثبت این برنامه محسوب می‌شود. پخش «دو قدم مانده به صبح» از ابتدای ماه مبارک رمضان متوقف شد و حال سازندگان برنامه با تغییرات چشمگیر و عنوان تازه‌ای به زودی دوباره به رسانه ملی بازمی‌گردند. «سعید بشیری» تهیه‌کننده و کارگردان این برنامه ضمن اشاره به تغییرات سری جدید «دو قدم مانده به صبح» گفت: «در دوره جدید این برنامه با توجه به تغییر نام برنامه به «یک واژه مانده به صبح» سعی داریم برای هر هفته یک واژه را انتخاب کنیم و در طول هفته آن را با دعوت از کارشناسان مختلف از زوایای گوناگون مورد واکاوی قرار دهیم. از واژه‌های انتخابی می‌توان به امید، دین و بی‌دینی، ایثار، جلودانگی و زوال، مادیات، سفر، محرم، راه … اشاره کرد که این را از جنبه‌های مختلفی چون ادبیات، روانشناسی، جامعه‌شناسی، دین، سینما، هنرهای تجسمی، فلسفه … مورد بررسی قرار خواهیم داد.» بشیری در ادامه افزود: «در دوره جدید با توجه به واژه‌های انتخابی تا پایان هفته روی آن موضوع متمرکز می‌شویم و سعی داریم به نوعی به واکشافی آن از مناظر مختلف بپردازیم و مجری – کارشناسان برنامه هم نسبت به موضوعات تغییر پیدا خواهند کرد و سعی داریم از چهره‌های تازه‌تری که کمتر در تلویزیون حضور داشته‌اند دعوت کنیم.» وی با اشاره به پیگیری تعداد زیادی از مخاطبان شبکه چهار برای ادامه پخش این برنامه گفت: «از همان ابتدا که «دو قدم مانده به صبح» در ۸۶ سال روی آنتن رفت سعی کردیم متفاوت از سایر برنامه‌های شبانگاهی و فرهنگی باشیم.» کارگردان دو قدم مانده به صبح گفت: «کم‌کم افرادی به برنامه آمده‌اند که شاید سال‌ها بود به تلویزیون نیامده بودند و فکر می‌کردند در این برنامه می‌توانند حرف‌ها و نظرات‌شان را مطرح کنند.» به گفته بشیری «در سری گذشته موضوعات مختلفی در حوزه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی، سینما و فلسفه، عکاسی، شعر … مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات تخصصی و خوبی به مخاطبان منتقل شد ولی در سری جدید کمی تغییرات در محتوا داریم که قرار است به صورت منسجم‌تری موضوعات و مفاهیم را مورد نقد قرار دهیم.» این تهیه‌کننده با اشاره به توفیق «محمد صالح‌اعلا» در اجرای دوره‌های گذشته برنامه اظهار داشت: «با توجه به اینکه صالح‌اعلا دارای شأن فرهنگی بالایی در میان اهالی فرهنگ است و نیز آشنایی و تسلط وی بر موضوعات مختلف مانند سینما، ادبیات … و به خصوص اجرای متفاوت و خاص برای آتیمان گرفتیم در دوره جدید برنامه نیز از حضور صالح‌اعلا بهره‌مند شویم زیرا نام ایشان با این برنامه گره خورده است و مخاطبان دو قدم مانده به صبح برنامه را با نام و چهره صالح‌علا می‌شناسند.» کارگردان «یک واژه مانده به صبح» همچنین با اشاره به دکور سری جدید برنامه و نشانه‌های به کاررفته در آن گفت: «طراح دکور این برنامه از ابتدا «شاهرخ جعفری» بود و چون دکور سری قبلی برنامه کاملاً منطبق با موضوعات برنامه طراحی شد در سری جدید برنامه هم طراحی دکور بر عهده ایشان گذاشته شد و در تلاشیم دکوری مناسب و معماگونه مناسب اهداف داشته باشیم و همان طور که در برنامه سعی می‌کنیم یک واژه را از معنای لفظی تا عمق آن مورد بررسی قرار دهیم، در طراحی دکور نیز قرار است این فضا تداعی شود.» گفتنی است سری جدی این برنامه از ۱۷ مرداد در همان ساعت قبلی (۲۳/۱۵) پخش خود را آغاز خواهد کرد.

